

سیدمحمدحسین لواسانی^۱

ضرورت تغییر و یا تکمیل عناوین پیشنهادی راجع به همکاری‌های امنیتی در منطقه، پس از حادثه تروریستی ۱۱ سپتامبر نیازی به استدلال چندانی ندارد و همه بر این باورند که ورود به هر موضوع سیاسی - امنیتی به ویژه در منطقه پیرامونی خزر بدون توجه به حادثه مذکور، بحثی ناتمام خواهد بود.

در ذیل به توضیح وضعیت وضعیتی خزر در دهه گذشته که منجر به همگرایی‌ها و واگرایی‌های به عمل آمده میان کشورهای همجوار با خزر پرداخته و در شکل وسیع تر آن در چهار منطقه شمالی (روسیه)، جنوبی (ایران)، شرق (آسیای مرکزی) و غربی (قفقاز شمالی و جنوبی) از دیدگاه همکاری‌های امنیتی مورد بررسی اجمالی قرار خواهد گرفت:

ترتیبات پیشنهادی امنیتی قبل از حادثه ۱۱ سپتامبر در منطقه
الف) بحران‌ها و ناآرامی‌های بالقوه و بالفعل در دهه گذشته.

۱. قفقاز

- بحران آبخازیا - گرجستان و نقش کشورهای حاشیه‌ای و معادلات انرژی

در آن.

۱. آقای سیدمحمدحسین لواسانی سفیر جمهوری اسلامی ایران در ترکیه است.

- بحران چین - روسیه و فاکتور خطوط انرژی شمالی و غربی (باکو - جیحان و باکو - سوپسا)

- مناقشه قره‌باغ و تلاش‌های مینسک برای نزدیک‌سازی جمهوری آذربایجان و ارمنستان به یکدیگر و تلاش‌های انفرادی همسایگان برای حل مناقشه.

۲. آسیای مرکزی و شرق خزر

- حملات گروه‌های مخالف به برخی از کشورهای منطقه و تهدیدات نظامی علیه ازبکستان - قرقیزستان و قزاقستان.

- موضوع برخی نگرانی‌ها میان ازبکستان و تاجیکستان و اختلافات مرزی میان قزاقستان - ازبکستان.

- همسایگی ایالت ترک‌نشین سین‌کیانگ چین (ترکستان شرقی) با سه جمهوری قزاقستان و قرقیزستان و تاجیکستان و نگرانی چین از همکاری‌های گروه‌های ترک‌گرا در این کشورها و ترک‌های چین.

- چالش‌های داخلی تاجیکستان.

- خطر طالبان علیه جمهوری‌های آسیای مرکزی قبل از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱.

ب) تلاش‌های کشورهای بحرین برای حل بحران از طریق ایجاد ترتیبات امنیتی

۱. شانگهای پنج - اهداف، اعضا و سرانجام آن.

۲. مناقشات در قفقاز (فرمول‌های پیشنهادی، نتیجه اقدامات مینسک OSCE و UN در گرجستان، اجلاس پاریس و کی‌وست فلوریدای آمریکا) و تلاش‌های انفرادی برخی از همسایگان منطقه.

۳. همکاری‌های دوجانبه و چندجانبه امنیتی و ضدتروریستی.

- روسیه - تاجیکستان

- روسیه - ارمنستان

- روسیه + چهار کشور ازبکستان - قزاقستان - قرقیزستان - تاجیکستان

- ازبکستان - ترکیه

- جمهوری آذربایجان - ترکیه

- گرجستان - ترکیه

- روسیه - ترکیه

- روسیه - جمهوری اسلامی ایران

با توجه به وجود حداقل ده منطقه بالقوه و بالفعل ناآرام در آسیای مرکزی و قفقاز طی ده سال گذشته و تلاش‌های متعدد به عمل آمده برای حل و فصل و یا کاهش آثار این تلاطمات بر سرنوشت سیاسی - امنیتی و اقتصادی کشورهای منطقه از طریق پیشنهاد و یا تشکیل اتحادیه‌ها و پیمان‌های امنیتی از سوی کشورهای منطقه و کشورهای همجوار منطقه مانند چین - ایران و ترکیه و روسیه و همچنین به کارگیری توانایی‌های سازمان‌های فرامنطقه‌ای مانند OSCE (سازمان امنیت و همکاری اروپا) و آمریکا به عنوان یک قدرت جهانی مؤثر و ذی نفع در منطقه عمومی خزر حکایت از عمق پیچیدگی‌های ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک بحران‌های حادث شده در آن دارد.

عقد قراردادهای چندجانبه امنیتی با جهت‌گیری خاص علیه مبارزه با تروریسم میان کشورهایی که فهرست آنها قرائت می‌شود دلیل دیگری بر این مدعاست که فروپاشی شوروی و استقلال کشورهای جدیدالتأسیس نه تنها در قاموس جهانی به عنوان قدمی برای تأمین صلح و شکوفایی اقتصادی و ایجاد دموکراسی و رفاه در این کشورها نگردید بلکه تحولات بعدی نشان داد که مجموعه بحران‌های این منطقه موجبات حضور نیروهای خارجی با اهداف منفعت‌طلبانه خود در منطقه را اجتناب‌ناپذیر نمود.

نتایج ترتیبات و تلاش‌های امنیتی میان کشورهای منطقه

۱. شانگهای پنج مهمترین پیمان در شرق خزر

پس از توفیق نیروهای طالبان در پیشروی به صفحات شمالی افغانستان و نزدیک شدن به مرزهای جمهوری آسیای مرکزی و برقراری ارتباط میان گروه‌های مبارز کشورهای آسیای مرکزی با نیروهای طالبان خطر ضربه‌پذیری و امنیت ملی این کشورها به صورت حادی درآمد. عملیات نظامی نیروهای تحت حمایت طالبان علیه قرقیزستان و احتمال توسعه آن به ازبکستان و دیگر همسایگان موجب شد تا خطر توسعه تروریسم در این منطقه به صورت یک عامل جدی همگرایی ظهور و بروز نماید.

روسیه و چین نیز با مشاهده زمینه‌های توسعه ارتباطات گروه‌های مخالف داخلی با افغانستان از جمله نیروهای چینی در قفقاز و ترک‌های ایغور ترکستان شرقی در چین به این جمع‌بندی رسیدند که در چارچوب پیمان شانگهای پنج نوع ترتیبات امنیتی به صورت فراگیر را به وجود آوردند.

موضوعات این پیمان و حوزه عملکرد آن و نتایج حاصله اولین موضوع بخش دوم خواهد بود:

۲. پیمان ثبات در قفقاز (معادل بودن تروریسم و بی‌ثباتی امنیتی در قفقاز)

موضوع ارائه پیشنهاد ایجاد پیمان ثبات در قفقاز از موضوعاتی است که به شکل‌های مختلف توسط برخی رهبران کشورهای منطقه به‌ویژه رؤسای جمهور گرجستان و ترکیه (آقای دمیرل) مطرح شده و تاکنون در سطح مذاکرات مسئولین ذی‌ربط کشورهای منطقه بوده است و به دلیل پیچیدگی بحران‌های قفقاز، مکانیسم نهایی شده‌ای برای آنها هنوز وجود ندارد. بررسی نقش گروه مینسک و سازمان ملل در حل و فصل بحران‌های قره‌باغ و آبخازیا می‌تواند به شناخت ابعاد مختلف موانع موجود بر سر راه دستیابی به پیمان ثبات در قفقاز کمک نماید. اشاره به نتایج

اجلاس پاریس و کی‌وست و فشارهای موجود علیه رؤسای جمهور دو کشور درگیر در بحران قره‌باغ از جمله مطالب در نظر گرفته شده برای تبیین زمینه‌های عدم توفیق ایجاد این پیمان می‌باشد.

- اتحادیه گووام و نقش جانبی آن در کمک به گرجستان در حل و فصل بحران آبخازیا و عملکرد گروه دوستان سازمان ملل در گرجستان بخش دیگری از تشکلهایی است که در راستای ایجاد ثبات و امنیت در قفقاز برای کشورهای این منطقه ایفای نقش کرده‌اند.

۳. مقابله با تهدیدات نظامیگری در خزر و ضرورت مقابله با آن

برخی از کشورهای ساحلی خزر در راستای تأمین امنیت خود و خطوط انتقال انرژی سعی کردند تا با دریافت کمک‌های نظامی در چارچوب همکاری‌های دوجانبه توان نظامی خود را در دریای خزر افزایش دهند.

اشاره به تجهیز ناوگان دریایی برخی از کشورها (جمهوری آذربایجان، روسیه، قزاقستان، ایران) در مطبوعات کشورهای مذکور به صورت متقابل حکایت از فراهم آمدن زمینه‌های ارتقای پتانسیل نظامی کشورهای ساحلی در دریای خزر می‌باشد.

اهدای ناوچه‌های جنگی و یا با قابلیت تبدیل شدن به ناوچه‌های جنگی از سوی برخی کشورها به یکی از کشورهای ساحلی و تقویت و بازسازی بنادر و ناوگان یکی دیگر از کشورهای ساحلی با همکاری برخی از اعضای ناتو در چارچوب همکاری‌های دوجانبه و ادعای روزنامه بی‌مسوات آذربایجان در تابستان گذشته مبنی بر اعزام یک کشتی نظامی دوهزار تنی به تیپ ۱۰۶ دریایی خود در ساحل خزر در داغستان و افزایش ناوگان نظامی روسیه به تعداد ۱۷ فروند ناوچه و کشتی‌های توپدار و موشک‌انداز در خزر و اصطکاک دریایی بین ایران و جمهوری آذربایجان (براساس درک نادرست از وضعیت پیچیده خزر از سوی یکی از طرفین) از نمونه‌های بارز نظامیگری در خزر می‌باشد.

گفته می‌شود جمهوری آذربایجان با ۶۰ فروند کشتی و ناوچه جنگی و لجستیکی سومین نیروی قوی دریای خزر پس از روسیه و ایران می‌باشد. در جمع‌بندی این بخش می‌توان گفت دلایل شکننده بودن ترتیبات امنیتی در منطقه عمومی خزر به شرح زیر می‌باشد:

- مجموعه تدابیر به کار گرفته شده از سوی کشورهای ساحلی خزر در دریا نشان از تفاوت جدی دیدگاه‌ها برای رسیدن به یک رژیم حقوقی قابل قبول از سوی پنج کشور ساحلی دارد و در این راستا قرار گرفتن برخی از کشور و در بلوک‌بندی جهانی به رهبری آمریکا و یا عدم انطباق منافع پنج کشور با یکدیگر، دریای خزر را میدانی برای قدرت‌نمایی جهت تسلط بر انرژی نفت و گاز آن خواهد نمود. در این جمع‌بندی به برخی از ارقام ارائه شده از سوی منابع انرژی درباره خزر اشاره می‌شود.

- تمایل برخی از کشورهای قفقاز برای پیوستن به ناتو و عدم توجه به خواست‌ها و منافع امنیتی همسایگان خود یکی دیگر از دلایل عدم توفیق ترتیبات امنیتی در قفقاز بوده است. - عدم تطبیق منافع کشورهای قفقاز و همسایگان آنها برای عبور خطوط انتقال انرژی به صورت محورهای شرقی- غربی و شمال- جنوب و تأثیر آن بر عدم پیشرفت در ایجاد پیمان ثبات و امنیت در قفقاز محسوب می‌شود. علوم انسانی و مطالعات فرهنگی - وجود قومیت‌های مختلف با ادیان مختلف در قفقاز شمالی و جنوبی و نفوذ خارجی در میان آنها از دیگر عناصر ایجاد تزلزل در ثبات و امنیت منطقه قفقاز محسوب می‌شود که موج استقلال‌طلبی برخی از این اقوام شدت این تلاطمات را افزوده است.

تحولات امنیتی در آسیای مرکزی و قفقاز پس از حادثه ۱۱ سپتامبر

در ارتباط با موضوع فوق موارد زیر قابل اشاره است:

۱. حضور جدی آمریکا در منطقه.

۲. تغییر موازنه قدرت در منطقه و تقارن در اهداف امنیتی قدرت‌های جهانی.
۳. فرصت طلایی برای کشورهای قدرتمند منطقه جهت پیشبرد اهداف امنیتی خود.
۴. تغییر مفهوم تهدیدات امنیتی از سطح کشوری به سطح بین‌المللی.
۵. آشکار شدن نوع ارتباطات و تهدیدات امنیتی میان شرق و غرب خزر.
۶. بهره‌برداری آمریکا از شرایط موجود برای شکل دادن به ساختار اورآسیای جدید منطبق با اهداف خاص این کشور.

در جمع‌بندی کلی به این نتیجه می‌رسیم که ثمرات حادثه ۱۱ سپتامبر برای کل منطقه به چه صورت جلوه‌گر شده است و در ادامه آن مشخص خواهد شد که آیا صرف مبارزه با تروریسم به رهبری آمریکا و ائتلاف جهانی تحمیل شده از سوی آمریکا متضمن منافع چه گروهی بوده و تأثیر مثبت و منفی آن مشخصاً بر ترتیبات امنیتی شرق و غرب خزر چه می‌تواند باشد.

در اینجا می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- تضمین مبارزه علیه اسلام‌گرایی توسط قدرت‌های بزرگ در درازمدت؛
- ایجاد جای پای دائمی در منطقه شرق خزر توسط آمریکا؛
- پرداخت مابه‌ازای این حضور به صورت سیاسی - امنیتی در غرب و شرق قفقاز به دیگر قدرت‌های منطقه‌ای؛
- کمک‌های اقتصادی به کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز برای خروج از فشارهای ناشی از بی‌ثباتی امنیتی؛

- تحمیل ضرورت حل بحران‌هایی که به نوعی با مبارزه علیه وضع موجود ارتباط دارند مانند حل و فصل مسایل مرزی میان کشورهای آسیای مرکزی، حل بحران قره‌باغ و بحران آبخازیا و تضمین عبور بی‌خطر انرژی به جهان آزاد از مسیرهای مطلوب آمریکا.



شپوهنځي ګاونډي علوم او مطالعات فرېنجي
پر تال جامع علوم انساني